



اصول دادرسی انتخاباتی و موانع تحقق آن

صابر شیخ بگلو^۱، علی حاجی پور کندرود^۲

۱- دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق عمومی، گروه حقوق، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد ارومیه، ایران

۲- استادیار، گروه حقوق، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد ارومیه، ایران

Sheykhbaglou.urmia.ac@gmail.com

چکیده

این مقاله با عنوان اصول دادرسی انتخاباتی و موانع تحقق آن مورد بررسی و پژوهش قرار گرفته است. ویژگی های یک دادرسی انتخاباتی عادلانه و همچنین موانع تحقق آن به عنوان مسئله و سوال اصلی مورد مطالعه قرار گرفت. روش تحقیق این پژوهش توصیفی-تحلیلی می باشد. یک نظام دموکراتیک به ویژه نظام مردم سالاری دینی مقدس جمهوری اسلامی ایران نیازمند نهادی است که در دادرسی انتخاباتی با تکیه بر اصول معنونه عبارت اند از اصل استقلال، شفافیت، برگشت ناپذیری، دسترسی آسان، عدم تبعیض و قاطعیت با قدرت در مسیر عدالت اجتماعی، سیاسی و امنیت داخلی و منافع عمومی قدم بردارد. این اصول به صورت پیوسته و حلقه های یک زنجیر به هم متصل هستند که عدم رعایت یکی از آنها مانعی در اجرای عدالت انتخاباتی خواهد بود که به تبع آن انتخابات و همچنین دولت (در معنای عام) توسط جامعه مشروع شناخته نشده و موجب ناهنجاری در جامعه خواهد شد. مهمترین مانع در دادرسی انتخاباتی را می توان به عدم استقلال و شفافیت اشاره کرد که یکی از چالش های پیش روی نظام جمهوری اسلامی است که با تکیه بر موازین اسلامی و قرآنی و فقهی می توان آن را نیز به بهترین شکل ممکن بهبود و اصلاح کرد.

کلمات کلیدی: اصول، دادرسی، انتخاباتی، شورای نگهبان، موانع

مقدمه

در این تحقیق که با موضوع اصول دادرسی انتخاباتی و موانع تحقق آن مطالعه صورت گرفته است. اصطلاح دادرسی انتخاباتی به طور کلی شامل مفاهیم و سازوکارهایی است که تضمین می کنند فعالیتها، فرآیندها و تصمیمات مربوط به فرآیند انتخابات، مطابق با قانون (قوانین اساسی و عادی، اسناد و معاهدات بین المللی و تمامی مقررات دیگر) است. از حقوق انتخاباتی حمایت و آن را احیا می کند، و برای افرادی که فکر می کنند حقوق انتخاباتی آنها نقض شده است امکان دادخواهی و رسیدگی قضایی را فراهم می آورد (یاورد و همکاران، ۱۳۹۷).

مفهوم دادرسی انتخاباتی، شامل ابزار و سازوکارهایی است که مانع خدشه دار شدن روندهای انتخاباتی می شود و از حقوق انتخاباتی دفاع می کند. سازوکارهای دادرسی انتخاباتی ابزارهایی دارد که به موقع از بحث و مجادله جلوگیری و از ابزارهای رسمی یا غیررسمی برای حل آنها استفاده می کند (پروین، ۱۳۹۴: ۶).



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

۲۹۸۰-۷۷۸۶ ISSN

در فرایند دادرسی انتخاباتی مهمترین گام طرح دعاوی انتخاباتی است که شامل پیشگیری از دعاوی تا رسیدگی و حل و فصل آن‌ها را در برمی‌گیرد و اهمیت فرهنگ سیاسی و آموزش مدنی را در جلوگیری از دعاوی انتخاباتی را نشان می‌دهد. ضمناً اصل دادرسی دارای یک طبقه‌بندی نظری نظام‌های رسیدگی به دعاوی انتخاباتی را فراهم می‌آورد و مجموعه‌ای از یک‌سری اصول ساختاری و تضمین‌هایی رویه‌ای تنظیم می‌کند که اهمیت حیاتی برای دادرسی انتخاباتی به عنوان یک کل دارد. نهادهایی که مسئولیت مدیریت دادرسی انتخاباتی را دارند باید دارای مشروعیت مردمی باشند و توجه را به برخی از مؤلفه‌های کلیدی مشروعیت مثل اهمیت اجماع سیاسی درخصوص ساختار و ترکیب نهاد انتخاباتی، ویژگی ضروری شفافیت و ضرورت استقلال نهاد مسئول رسیدگی به دعاوی انتخاباتی جلب می‌کند (علینقی، ۱۳۷۸ : ۹).

با شرحی که گذشت می‌توان اینگونه مسئله را بیان کرد که اصول دادرسی انتخاباتی در نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران چه ویژگی‌هایی دارد؟ می‌توان عنوان کرد که با توجه به سابقه بیش از ۴ دهه نهاد دادرسی انتخاباتی در ایران و فراز و نشیب‌ها و نقد و بررسی‌های صورت گرفته به آن، اصول دادرسی انتخاباتی ویژگی‌های یک حکومت اسلامی بر گرفته از قرآن، سنت و موازین اسلامی می‌باشد. موانع تحقق این اصول چیست؟ مهمترین مانع در تحقق اصول دادرسی انتخاباتی نفوذ جناح‌های سیاسی است که با قدرت و لابی‌گری به نوعی مسبب عدم تحقق حداکثری در اصول دینی و انسانی در دادرسی انتخاباتی می‌گردد. این پژوهش از این منظر مهم و ضروری است که نقضایی در شفافیت و قاطعیت در دعاوی انتخاباتی وجود دارد. این تحقیق در قالب روش توصیفی-تحلیلی مورد بررسی و مطالعه قرار گرفته است.

روش تحقیق

در مطالعه حاضر روش بررسی بصورت تحلیلی توصیفی به همراه مطالعه کتابخانه‌ای است. جامعه آماری در این پژوهش دادرسی انتخاباتی در ایران می‌باشد. پس از مطالعه منابع و قوانین مرتبط با دادرسی انتخاباتی از بین جامعه بزرگ انتخاباتی، انتخابات عمومی و ملی با موضوع رسیدگی به شکایات انتخاباتی در قالب نمونه آماری مورد پژوهش قرار گرفت. پس از بررسی دادرسی انتخاباتی در مجامع بین‌المللی و داخلی و اصول حاکم بر آن با تطبیق آن با موازین و مقررات داخلی و شرع مقدس پرداخت گردید.

یافته‌ها

امروزه با توجه به توسعه دموکراسی در کشورها و لزوم رسیدگی به موضوعات پیرامون انتخابات، یکی از مهمترین چالش‌ها در انتخابات، دادرسی انتخاباتی است. دادرسی انتخاباتی این امکان را فراهم می‌کند تا هم انتخاب‌شوندگان و هم انتخاب‌کنندگان در صورت بروز تخلف یا دعوی انتخاباتی از آن بهره‌مند شوند. هدف از دادرسی انتخاباتی حفظ نظم عمومی و سیاسی جامعه است. در پرتو دادرسی انتخاباتی می‌توان به جامعه سیاسی و دموکراتیک دست یافت. بنابراین به منظور بررسی اصول دادرسی انتخاباتی، به بررسی مختصر از نظام‌های انتخاباتی خواهیم پرداخت.

نظام انتخاباتی قواعدی است که به سبب آنها آراء به کرسی‌های ریاست جمهوری و دیگر کرسی‌ها مانند مجلس و شورای شهر و غیره تبدیل می‌شود. مقصود از نظام‌های انتخاباتی اتخاذ شیوه‌ای که نتایج به بهترین وجه منعکس‌کننده گرایش‌های رای‌دهندگان باشد (پروین، ۱۳۹۴ : ۲۴). و به عبارتی کاملتر نظام انتخاباتی دسته‌ای از قوانین برای به نتیجه رساندن یک انتخابات است. این قوانین مشخص می‌کنند که کدام یک از مناصب عمومی موضوع انتخابات هستند، واجدی شرایط رای‌دهی چه کسانی هستند و واجدین چگونه می‌توانند رای دهند، نامزدها چگونه انتخاب شوند، آراء ماخوذه چگونه شمار و آراء به کرسی‌های نمایندگی تبدیل شوند. بنابراین نظام انتخاباتی قوانین هستند که در شرایط و فضایی خاص به کار می‌روند و در عمل سه عنصر اساسی؛ قوانین، کاربرد و زمینه را در بر می‌گیرد (اشرفی، ۱۳۹۲ : ۱۲).



به عبارتی کلی می توان بیان کرد که نظام های انتخاباتی مبین شیوه و سازوکار منصفانه و کارآمد شمارش آراء و توزیع نمایندگی در راستای تضمین حداکثر مشارکت عموم، حقوق انتخاباتی احزاب، کاندیدها و رای دهندگان، تحقق انتخابات اصیل براساس کلیه عقاید و گروه های ذینفع در کشور می باشد. براساس تعاریفی که در رابطه با نظام های انتخاباتی مطرح شد، انواع نظام انتخاباتی به نظام های پارلمانی، نظام دادرسی اساسی، دادرسی اداری انتخاباتی، شبه قضایی یا قضایی تقسیم می شوند. به طور کلی و منجز می توان به شرح ذیل بیان کرد (یاوری و همکاران، ۱۳۹۷ : ۵۶):

الف- نظام انتخاباتی پارلمانی

نظارت و دادرسی انتخاباتی در مجلس صورت می گیرد اما با توجه به سواستفاده احزاب و جریان های سیاسی و فساد در آن و نبود استقلال، نفوذ و بی عدالتی در آن منجر به منسوخ شدن این نوع نظام دادرسی گردد. که در دهه ۱۹۴۰ تا ۱۹۷۰ در فرانسه این نظام حاکم بود که پس از رفع ایرادات و اصلاح به نظام دادرسی اساسی تغییر نظام دادند.

ب- نظام دادرسی اساسی

در این نوع نظام ها که توسط شورایی نسبت به انتخابات نظارت و دادرسی دارد. این نوع نظام دادرسی اساسی در آلمان وجود دارد و کمفاسابق نیز از آن تبعیت می کنند و در نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران نیز مشابه آن شورایی با عنوان شورای نگهبان فعالیت دارد که در ادامه به شرح آن خواهیم پرداخت.

پ- نظام دادرسی اداری انتخاباتی

در این مدل که در آن نهاد اداری نسبت به دادرسی انتخاباتی انجام وظیفه می کند. با توجه به ذینفع بودن دولت در این نظام، بی شک رسیدگی و دادرسی منصفانه وجود نخواهد داشت. مانند نظام دادرسی انتخاباتی در اکوادور که در آن هر عملی که مخالف با نظر و هدف دولت باشد در این نظام دادرسی دچار تغییراتی می شود.

ث- نظام دادرسی شبه قضایی

ترکیبی از نهاد اداری و قضایی است که در آن بخشی از دادرسی و تخلفات انتخاباتی در سیستم اداری و بخشی نیز در قوه قضاییه با تقسیم وظایف صورت میگیرد که در نهایت با رای اکثریت این شورای دادرسی، اعلام نظر می گردد. مانند نظام دادرسی انتخاباتی در بلژیک.

ث- نظام انتخاباتی قضایی

نوعی دیگر از نظام های دادرسی انتخابی است جهت احقاق حق رای مانند دیوان عالی فدرال آمریکا که نسبت به دادرسی انتخاباتی حق نظارت و رسیدگی دارد.

بنابراین از انواع نظام های انتخاباتی می توان اینگونه استنباط کرد که در نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران نظام انتخاباتی از نوع دادرسی اساسی است با عنوان شورای نگهبان که نهاد دادرسی انتخاباتی در ایران را برعهده دارد و بالاترین نهاد نیز محسوب می شود. با بیان این موارد با توجه به موضوع تحقیق هدف از آن، ارائه اصول دادرسی انتخاباتی است که در ادامه به آن می پردازیم.

اصول دادرسی انتخاباتی

با توجه به اهمیت انتخابات در ثبات سیاسی و همچنین مشروعیت دولت (در معنای عام) به منظور دستیابی اجرای دادرسی در انتخابات اصولی مدنظر می باشد که براساس پژوهش های متعدد در رابطه با اصول انتخاباتی، مهمترین آنها را می توان اینگونه بیان کرد: اصل استقلال، اصل شفافیت، اصل برگشت ناپذیری، اصل دسترسی آسان، اصل عدم تبعیض، اصل قاطعیت.

الف- اصل استقلال

نهاد رسیدگی به دادرسی انتخاباتی ابتدا به ساکن باید در برابر دیگر قوا و جناح های سیاسی مستقل باشد. به این معنا که اگر وابستگی در این نهاد با نهادهای دیگر یا با قوای دیگر وجود داشته باشد گمانه زنی یا اتهام تباری و همچنین عدم استقلال



به آن نهاد نیز زده خواهد شد. با توصیفی که گذشت می توان نحوه انتخاب این اعضا را مورد بررسی قرار داد تا متوجه استقلال یا عدم استقلال آن شد. اعضای شورای نگهبان براساس اصل ۹۱ قانون اساسی به دو دسته فقها و حقوقدانها تقسیم می گردد. تعداد عضو این شورا ۱۲ نفر و همچنین نصف آن را فقها و نصف دیگر را حقوقدانها تشکیل می دهد. ۶ نفر فقیه عضو در این شورا مستقیماً توسط رهبری انتخاب و انتصاب می شوند. با توجه به اینکه نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران از موازین اسلامی و قرآنی سرچشمه گرفته است، بنابراین رهبر در این مورد براساس فلسفه و موازین فقهی و الهی حق انتخاب و تایید را دارد. اما در مورد ۶ نفر حقوقدان که توسط رئیس قوه قضاییه به مجلس شورای اسلامی معرفی می گردد و بعد رای اعتماد نمایندگان، ۶ عضو حقوقدان انتخاب می گردد و وارد شورای نگهبان می شود. موضوعی که در این اصل مطرح است، مستقل بودن نهاد دادرسی انتخابات است ولی با توجه به نحوه انتخاب اعضا در این شورا، نمی توان استقلال را در آن در حد اعلی مشاهده کرد. بنابراین با توجه به اینکه ۶ عضو فقیه توسط رهبری و ۶ عضو حقوقدان توسط قوه قضاییه (که رئیس قوه قضاییه نیز توسط خود مقام رهبری انتخاب می شود) و به عبارتی ۱۲ عضو این شورا با رای مستقیم و غیرمستقیم رهبری انتخاب و وارد این شورا می شوند، به نوعی مغایر با اصل استقلال است. نهاد دادرسی انتخاباتی زمانی می تواند در مسیر عدالت و حق و حقیقت پیش برود که استقلال نسبی در آن وجود داشته باشد. بنابراین یکی از موانع تحقق مطلوب اصول دادرسی انتخاباتی می تواند عدم استقلال نهاد دادرسی انتخاباتی باشد.

ب- اصل شفافیت

منظور از اصل شفافیت یعنی دادرسی انتخاباتی در تمام مراحل باید شفاف و بدون ابهام مورد بررسی و اظهار نظر (حکم) واقع شود. بنابراین هرگونه اظهار نظر دویلو که منجر به برداشت های متفاوت شود به گونه ای از شفافیت دور است. همچنین تمامی رسیدگی ها باید منطبق بر قانون و به دور از حاشیه و مستند باشد. به گونه ای که در صورت بررسی آن نقطه مبهمی در آن وجود نداشته باشد. یکی از اصولی که جامعه را در مقابل اخبار و اتفاقات اغنا می کند رعایت اصل شفافیت بدون در نظر گرفتن مصالح حزبی و سیاسی است. این اصل در مورد تعیین صلاحیت نامزدهای انتخاباتی (انتخاباتی که این شورا حق رسیدگی و ورود دارد) بیشتر مورد توجه قرار می گیرد. بدین ترتیب که زمانی معیارهای تعیین صلاحیت یا رد صلاحیت تعیین و اعلام نگردد، شبهات و اتهام به این شورا به جهت عدم شفافیت در معیارها، آراء و همچنین اظهارنظرها وجود خواهد داشت. بنابراین می توان با رعایت مصالح عمومی و نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران، این شبهات و عدم شفافیت را به حداقل ممکن رساند تذ آسیمی به نظام و امنیت داخلی و وحدت ملی نگردد.

پ- اصل برگشت ناپذیری

یکی دیگر از اصول مهم و همچنین موثر در دادرسی انتخاباتی، اصل برگشت ناپذیری است، بدین معنی که در هر بازه زمانی در انتخابات، فرجه ای مبنی بر شکایت وجود دارد که خارج از آن فرجه رسیدگی صورت نخواهد گرفت. می توان اینگونه برداشت کرد که از رسیدگی بدون زمان و باز باشد، روند انتخابات و به تبع آن فعالیت سیاسی کشور با مشکل مواجه خواهد شد. به همین دلایل در هر مرحله از فرایند انتخابات بازه زمانی برای طرح شکایات وجود دارد که خارج از آن زمان رسیدگی ممکن خواهد بود و مرحله بعدی شروع شده و مرحله قبلی نیز غیرقابل فسخ خواهد شد. بنابراین به نکته مهم وجود دارد که اگر دلایل مثبت و قابل توجهی بعد از آن فرجه حاصل شود، نهاد رسیدگی باید میزان و تاثیر آن را در انتخابات بررسی کند که در صورت تاثیر فرایند در نتایج، اصلاح یا ابطال انتخابات دور از ذهن به نظر نمی رسد. این اصل در شورای نگهبان به نوعی با کمترین نقد و ایراد انجام گرفته است به نوعی که فرصت و زمان دادرسی و همچنین رسیدگی در هر مرحله از انتخابات به نامزدها و شاکیان داده شده است.

ت- اصل دسترسی آسان

در این اصل مشخص است که دادرسی انتخابات در هر نوعی که متصور می شود باید در دسترس و سهل الوصول باشد. یعنی بتوان اشخاصی که شکایت دارند شکایت خود را در کمترین زمان ممکن در هر نقطه ای از کشور که اراده کنند طرح



کنند. بنابراین این اصل نیز به نوعی احترام به حق رای می باشد که شرایط قبل و حین و بعد از انتخابات را می توان با ثبت شکایت پیگیری کرد. این اصل بیشتر جنبه عام نداشته، یعنی اینکه ذینفعان انتخابات به راحتی حق دادرسی انتخاباتی را دارند اما عوام با مشکلات و موانع متعددی مواجه هستند، یکی از آن موانع هزینه بر بودن اعلام تخلف توسط از سوی مردم در دادرسی انتخاباتی و دیگری عدم توجه هیات نظارت بر انتخابات به تخلفات اعلامی از سوی مردم می باشد. بنابراین اصل دادرسی انتخاباتی نسبی است، یعنی اینکه در مورد نامزدهای انتخاباتی این اصل به حداقل محدودیت ممکن صورت می گیرد اما در رابطه با عموم مردم، اهمیتی به آن داده نمی شود.

ث- اصل عدم تبعیض

این اصل در واقع متصل به اصل شفافیت و استقلال می باشد. بعبارتی زمانی که نهاد دادرسی دو اصل مزبور را رعایت کنند به تبع در رسیدگی میزان تبعیض نیز در حداقل خود یا در حد اعلی خواهد بود بنابراین در زمان رسیدگی به دادرسی انتخاباتی، نهاد رسیدگی کننده و نظارتی به دور از توصیه و طرفداری جناح خاص اقدام به رسیدگی کند می توان عدم تبعیض را در آن مشاهده کرد. عدم تبعیض یعنی در هر یک از مراحل انتخابات وجود یک رد صلاحیت یا تایید صلاحیت از چشمان شورای نگهبان به دو نباشد، یعنی دادرسی انتخاباتی صرفاً به مرحله قبل و حین انتخابات ختم نشود، بلکه باید به صورت ویژه بعد از انتخابات را نیز بررسی و به جد دنبال کند. یکی دیگر از موانع تحقق اصول انتخاباتی، تبعیض در دادرسی انتخاباتی است.

ج- اصل قاطعیت

این اصل نیز همانند اصل عدم تبعیض متصل و وابسته به اصول استقلال و شفافیت می باشد. به عبارتی دیگر می توان اینگونه بیان کرد که قاطعیت در رسیدگی و اعلام نظر یا حکم توسط نهاد مذکور، در گرو مسیر درست در استقلال، شفافیت و عدم تبعیض می باشد که عصاره آن در اصل قاطعیت خود را نشان می دهد. نظرات شورای نگهبان در این مورد به طور قاطع بیان و اعلام شده است به نوعی نمی تواند مانع تحقق دادرسی انتخاباتی گردد.

۳-۷- موانع تحقق اصول دادرسی انتخاباتی

پس از بررسی اصول دادرسی انتخاباتی و ارائه چندین اصول که برگرفته از دادرسی انتخاباتی دموکراتیک در کشورهای دیگر است، به این نکته باید توجه داشته باشیم که اولاً نوع حکومت ما مردم سالاری دینی و بر پایه موازین اسلامی است، دوم اینکه اصول انتخاباتی بیان شده نسبی است و از کشوری به کشور دیگر به تناسب شرایط جغرافیایی، سیاسی و فرهنگی متفاوت است. اصول انتخاباتی بیان شده در واقع نشان دهنده یه چهارچوب مشخص براساس اصول و حقوق بنیادین بشری و انسانی است و ما نیز با توسل به حقوق اسلامی بشر در نظام جمهوری اسلام ایران باید به آن پایبند باشیم اما از نقد و بررسی و اصلاح و بهبود شرایط و دادرسی انتخاباتی نباید غافل شویم که توسعه کشور در گرو اصلاح و نقد سازنده است.

مهمترین مانع در تحقق دادرسی انتخاباتی اصل استقلال و اصل شفافیت نهاد رسیدگی کننده به دادرسی انتخاباتی در نظام مقدس جمهوری اسلامی است. نفوذ جماع های سیاسی، عدم تغییر شرایط عضویت در آن نهاد طی سالیان متناوب و محدود شدن انتخاب اعضا به نظرات محدود، یکی از چالش های پیش روی دادرسی انتخاباتی در کشور می باشد که با برنامه

نتیجه گیری

در دادرسی انتخاباتی به منظور رسیدن به یک عدالت اجتماعی-سیاسی رعایت اصول در تحقق حفظ کرامت انسانی و منافع عمومی و پیاده کردن نظام و انتخابات مشروع لازم الاجراست. اصولی که نهاد دادرسی انتخاباتی باید بر آن پایبند باشد، اصل استقلال، شفافیت، برگشت ناپذیری، دسترسی اسان، عدم تبعیض و قاطعیت می باشد. این اصول به صورت پیوسته و حلقه های یک زنجیر متصل هستند که عدم رعایت یکی از آنها مانعی در اجرای عدالت انتخاباتی خواهد بود که به تبع آن انتخابات و همچنین دولت(در معنای عام) توسط جامعه مشروع شناخته نشده و موجب ناهنجاری در جامعه خواهد شد. مهمترین مانع در



دادرسی انتخاباتی را می توان به عدم استقلال و شفایت نهاد نام برد که یکی از چالش های پیش روی نظام جمهوری اسلامی است که با تکیه بر موازین اسلامی و قرآنی و فقهی می توان آن را نیز به بهترین شکل ممکن بهبود بخشید.

منابع

۱. یعقوبی اشرفی، زکریا (۱۳۹۲)، بررسی تطبیقی شورای نگهبان با نهادهای ناظر قانون اساسی در برخی کشورها. پژوهشکده شورای نگهبان.
۲. علینقی، امیرحسین (۱۳۷۸)، نظرات بر انتخابات و تشخیص صلاحیت داوطلبان، تهران: نشر نی.
۳. پروین، خیرالله (۱۳۹۴)، "جستاری بر اندیشه دادرسی اساسی"، مطالعات حقوق تطبیقی، مقاله ۵، دوره ۶، شماره ۱، بهار ۸۳-۶
۴. یآوری، اسدالله، اشتغالی، هانیه، عزیزمحمدی، فاطمه کریم جوزانی، فاطمه (۱۳۹۷)، دادرسی انتخاباتی. چاپ اول، انتشارات میزان.